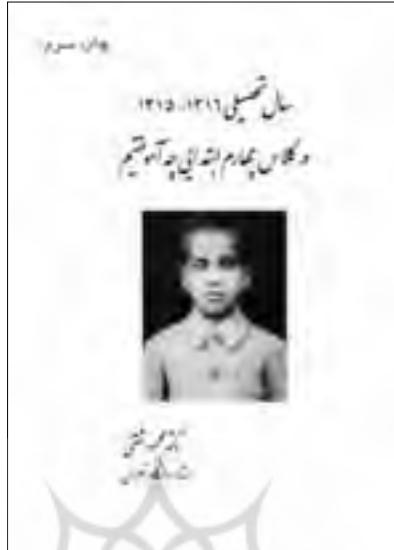


هفتادسال پیش، در کلاس چهارم ابتدایی

حسین محیی



سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ در کلاس چهارم ابتدایی چه آموختیم؟! - محمود ثقفی. ج ۳. تهران، ۱۳۸۵. ۳۱۱ ص (رحلی). مصور. ۳۰۰۰۰ ریال.

کتاب‌هایی هستند که به هر دلیل، در زمان انتشارشان از دیده‌ها پنهان می‌مانند یا آن‌گونه که باید دیده نمی‌شوند. اما وقتی که به واسطه‌ای دستیاب می‌شوند، تعجب و حیرت هر خواننده و بیننده را بر می‌انگیزند که «عجب کتاب‌هایی چاپ می‌شوند و

البته تردیدی نیست که فرزندان این مرز و بوم باید در هر دوره و زمان، به تناسب شرایط و نیازهای روز، آموزش ببینند و توقع نابعایی است که از دانش‌آموزان ابتدایی امروز توقع داشته باشیم به سهولت از روی گلستان و کلیله و دمنه و قابوسنامه بخوانند و بنویسند. اما در این میان نکته‌ای نهفته است که نمی‌توان آن را ناگفته گذاشت. متن‌هایی که برای مثال در دیکته‌های هفتادسال پیش دکتر ثقفی می‌خوانیم، ویژگی‌هایی پرشمار دارند که آن‌ها را از بعضی از متن‌های کتاب‌های درسی کنونی ممتاز می‌سازند: نثر زیبایی فارسی، برگرفته از متون فاخر ادبیات ایران که قرن‌ها آموزنده صفات پسندیده، خوی درستکاری و جوانمردی، و راستگویی و حق‌جویی بوده است. ولی نمی‌دانم امروز تأثیر آموختن چنین مطالبی را بر دانش‌آموزان خردسال هفتادسال پیش چه گونه می‌شود سنجید!

برای حسن ختام و به فراخور حال، نمونه‌ای عبرت‌آموز از املاء آن ایام را می‌آورم که حکایت مشهوری از گلستان است:

«آورده‌اند که سپاه دشمن بی‌قیاس بود و اینان اندک. جماعتی آهنگ گریز کردند. پسر نعره بزد و گفت: ای مردان بکوشید تا جامه زنان نپوشید. سواران را به گفتن او تهور زیادت گشت، به یک بار حمله کردند. شنیدم که در همان روز بر دشمن ظفر یافتند. ملک سر و چشمش بیوسید و در کنار گرفت و هر روزش نظر بیش کرد تا ولی عهد خویش کرد. برادرانش حسد بردند و زهر در طعامش کردند. خواهرش از غرفه دید و دریچه برهم زد. پسر به فراست دریافت و دست از طعام بازکشید و گفت محال است که هنرمندان بمیرند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند.»

کس نیاید به زیر سایه بوم و ر همای از جهان شود معدوم»

ما از آن‌ها بی‌خبر می‌مانیم!». در این آشفته بازار کتاب و نشر و انبوه تولیدات ناگیرا و نادلچسب، تعجب‌آور نیست که کتاب دکتر محمود ثقفی، استاد بازنشسته دانشگاه تهران را در کتابفروشی‌ها نبینیم یا نامی از آن را از فلان دوست کتابخوانمان نشنویم.

دکتر محمود ثقفی، استاد پیشین دانشکده فنی و مدرس رشته ماشین‌آلات کشاورزی که آثار تألیف و ترجمه چندی در حوزه‌های تخصصی خود دارد و چند نسل از دانشجویان ایرانی را آموزش داده است، در این کتاب، دفتر مشق سال چهارم ابتدایی خود را به چاپ رسانده است. این دفتر ۲۴۳ صفحه‌ای، مجموعه‌ای است از پاکتویس دیکته‌ها و حل مسئله‌های حساب و هندسه که همگی با قلم فرانسه نمره ۲ (قلم نوک فلزی) و مرکب سیاه نوشته شده است. آن هم با خطی خوانا و خوش که برای یک کودک ده ساله جای تحسین و آفرین دارد.

دکتر ثقفی در پیشگفتار خود ماجرای را نقل می‌کند که او را به فکر چاپ دفتر مشق کودکی‌اش انداخت. روزی برای آزمودن دانسته‌های نوه کلاس چهارمی‌اش دیکته می‌گوید؛ ولی نه از روی کتاب درسی او، بلکه از روی دیکته‌های هفتادسال پیش خودش. نتیجه کاملاً قابل پیش‌بینی است: «بابا محمود ما این‌ها را بلد نیستیم!»

همه ما که با کودکی در سن تحصیل سروکار داریم، به کرات از آن‌ها شنیده‌ایم که درس‌هایی که بچه‌ها امروز می‌خوانند اصلاً و ابداً با آن‌چه ما در گذشته خوانده‌ایم قابل قیاس نیست: «کتاب‌های ما کجا و کتاب‌های شماها کجا؟» حالا کتاب سال تحصیلی ۱۳۱۶ - ۱۳۱۵ را در دست داریم تا با آن به مصاف این مدعیان برویم!